

بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی از منظر قرآن و حدیث

عطاء... اسماعیلی^۱

مجید یاسوری^۲

آدینه ابراهیمی^۳

چکیده

توانمندسازی (التمکین) یعنی شناخت ارزش افراد و نقشی که می‌توانند در امور مربوط به خود از جمله مسائل معیشتی داشته باشند. هدف غایی تمام نظریه‌های توسعه انسانی، تلاش در جهت فراهم نمودن فضای مناسب برای افراد جامعه است؛ به طوری که بتوان زمینه را برای اعضای جامعه به منظور برخورداری افراد از منابع موجود و شناخت قابلیت‌ها و ارزش‌های خود ایجاد کرد. توزیع درآمد و امکانات از مباحث اقتصادی در اسلام است. رسیدن به رفاه عمومی در جامعه، برقراری عدالت اقتصادی و معیشتی، ریشه‌کنی فقر و محرومیت، عدم تکدی‌گری و نیازمندسازی و اجرای درست احکام وضعی اقتصادی که در قرآن و سنت به آنها تأکید شده است، شامل انفاق، خمس، زکات، قربانی، کفاره، صدقه، وقف و... است. این عوامل می‌توانند فرد و جامعه را به سمت توانمندی اقتصادی و معیشتی پیش ببرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حدیث، توانمندسازی، توانمندسازی اقتصادی.

۱. استادیار دانشگاه گیلان (smaeilia2015@gmail.com).

۲. استاد دانشگاه گیلان (yasoori@um.ac.ir).

۳. کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (adineebrahimi@gmail.com).



مقدمه و طرح مسئله

ضرب المثل مشهوری که یاد دادن ماهیگیری را به جای هدیه دادن ماهی به نیازمندان تأکید می کند، تاحد زیادی معادل مفهوم توانمندسازی است که امروزه مورد اشاره قرار می گیرد (اسدی محل چالی، ۱۳۹۴: ۲۴). دین اسلام، دینی پویاست و علت این پویایی، جامعیت و جاودانگی آن می باشد. بنابراین، اسلام به همه نیازها و استعدادهای انسان برای رسیدن به کمال و سعادت توجه ویژه دارد. ایمان به رازقیت خداوند مورد توجه مؤکد اسلام است. در ابتدا باید خاطر نشان شد که تمام وجودمان و هر آنچه که توانایی استفاده از آن را داریم، متعلق به خالق یکتاست:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (الذاریات: ۵۸): تنها خداوند، روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است. امروزه همه دولت ها و حکومت ها برای حفظ ثبات و تحقق اهداف خویش، مردم را در رأس امور قرار می دهند تا جایی که می توان توانمندسازی افراد را به عنوان مهم ترین وظایف دولت برشمرد. در ماده ۹۵ قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیرعنوان فصل هشتم (ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی) آمده است: «دولت موظف است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه های پرداختی، برنامه های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را به اجرا بگذارد که در بند «ج» بر تعیین خط فقر و تبیین برنامه های توانمندسازی متناسب و ساماندهی نظام خدمات حمایت های اجتماعی، برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق و نظام تأمین اجتماعی، و در بند «د» بر طراحی برنامه های ویژه اشتغال، توانمندسازی، جلب مشارکت های اجتماعی، آموزش مهارت های شغلی و زندگی، به ویژه برای جمعیت های سه دهک پایین درآمد تأکید شده است. در برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف شد برای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای رضایتمندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی، طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان و برقراری عدالت جنسی در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرایی را در مراجع ذی ربط تدوین و تصویب کند.

«این سند مبین اصول راهبردها و سیاستگذاری‌های بخشی و زمینه ساز طرح قوانین و مقررات مورد نیاز برای اجرای سیاست‌ها و راهکارها در برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۹۴: ماده ۹۵) خواست اسلام برای مؤمنان، توانمندی اقتصادی است، وگرنه جامعه، دچار فقر و عقب ماندگی همه جانبه شده ارزش‌های دینی هم به تدریج از دست می‌رود و سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به دست دیگران می‌افتد. فقرا، نقش مرکزی را در فرایند توانمندسازی اقتصادی دارند. باید به این نکته توجه کرد که فقر و محرومیت در قرآن و سنت به عنوان عامل مخرب و منفی در زندگی افراد معرفی شده است. فقرا همواره در معرض مصایب و گرفتاری‌های معیشتی و اقتصادی و حتی خشونت و جرم و جنایات قرار می‌گیرند. با وجود این از اساسی‌ترین حقوق طبیعی، محروم‌اند و در جهان امروز این امر عادی تلقی می‌شود. توانمندسازی باید به کاهش فقر، افزایش رفاه و کیفیت بالای زندگی، مشارکت در تصمیم‌گیری منجر شود و خرده فرهنگ‌های موانع توسعه را بزداید.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

در زبان فارسی برای اصطلاح توانمندسازی از واژه‌هایی مانند قدرتمندسازی، کارآمدسازی، تواناسازی و توان‌افزایی نیز استفاده می‌شود. اما واژه توانمندسازی بیش از سایر اصطلاحات عمومیت یافته است. طیف گسترده‌ای از مردم، از سیاستمداران و نظریه پردازان فلسفی گرفته تا بانک جهانی، واژه توانمندسازی را به کار می‌برند. (Rowlands, ۱۹۹۱: ۱۱) واژه توانمند کردن، یک فرایند دادن قدرت به کسانی است که ناتوان و محروم هستند. توانمندسازی به طور کلی به دو دسته «توانمندسازی فردی و اجتماعی» تقسیم می‌شود.

توانمندسازی فردی

توانمندسازی فردی یعنی مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آنها امکان انتخاب بر اساس خواست‌های خود را بدهد (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۵۴). فردی که به نیروی دانش و آگاهی دست می‌یابد، توانایی انجام کارهایی را دارد که قبلاً در توان او نبوده است؛ به عبارت دیگر انسانی تواناست که قدرت دانایی را کسب کرده باشد. داشتن



احساس برتری شخصی، مواجهه با چالش های تازه در زندگی فردی و اقتصادی، رویاروشدن با کار سخت و داشتن پشتکار، باور به توانایی انجام کار، باور به ظرفیت به کار بستن تلاش، توانایی رویارویی با عوامل خارجی، تحصیلات، داشتن امنیت روحی - روانی، داشتن نگرش مثبت به شغل و فعالیت افراد داشتن خود اثر بخشی در چیرگی بر ترس ها در زندگی روزمره عامل مهمی در توانمندسازی افراد به شمار می رود (Sikor, ۲۰۰۸: ۷۶-۸۳).

عواملی در توانمندسازی فردی نقش دارند که می توان به درستی، صداقت و حقانیت، بالا بودن کیفیت زندگی، تقسیم عادلانه منابع، بالا بودن سرمایه اجتماعی در جامعه، تنوع فعالیت های اقتصادی، مهارت کافی و استقلال فکری اشاره کرد (Tillman, ۲۰۰۱: ۷۰-۷۰).

توانمندسازی اجتماعی

توانمندسازی اجتماعی به معنای مشارکت اقشار مختلف جامعه در تصمیم گیری ها و سرنوشت خود و اعتقاد به توانایی مردم برای رفع مسائل و مشکلات روزمره است که به بهترین شکل ممکن انجام می شود. توانمندسازی جمعی یعنی توجه همه جانبه به نیازهای مردم به ویژه اقشار محروم جامعه و شامل مواردی از قبیل آموزش، برقراری عدالت و توزیع عادلانه امکانات، تسهیلات و درآمد می شود. توانمندسازی اجتماعی، کانون و مرکز ثقل توسعه مشارکتی در عصر پیشرفته تلقی می گردد. جوامع، بدون توجه کافی به این مقوله نمی توانند به شاخص های رشد و توسعه از طریق توان افزایشی جوامع محلی در زمینه های فنی و صنعتی، که به بهره‌وری در عرصه اقتصاد می انجامد دست یابند. لذا برای توسعه و پیشرفت باید به توانمندی ها، استعدادها و قابلیت های این جوامع، در بهره‌گیری از منابع طبیعی، اجتماعی و فناوری پیشرفته، اهتمام ویژه‌ای شود تا در جهت رشد و پرورش خودباوری، اعتماد به نفس و شکوفایی جامعه گام برداریم. (روح الله زاد، ۱۳۸۶) داشتن آگاهی بالای اقتصادی، نبود تبعیض اجتماعی و تبعیض های جنسیتی و نژادی، نبود آسیب های اجتماعی، پایین بودن فشار های روحی و محیطی، اعتقاد فرد به توانایی های خود در قبال انجام کار، بالا بودن رضایت شغلی، داشتن انگیزش، عدم احساس عجز اکتسابی، انعطاف بیشتر در مواجهه با سختی ها (کبیر، ۲۰۰۹: ۳۴۸۵-۳۴۵۰)، فعال بودن به

جای منفعل بودن، توجه به کمیت به جای توجه به کیفیت و انجام کار به جای منتظر ماندن برای اخذ دستور به منظور انجام کار از عوامل توانمندسازی محسوب می شود. بانک جهانی، تلاش های نظری و تجربی بسیاری در این زمینه صورت داده است. بنابراین توانمندسازی، ارتقای منابع و ظرفیت فقرا برای مشارکت، مباحثه، نفوذ، واپایش و نهایتاً تقاضا برای رقابتی بودن نهادهای مؤثر در زندگی ایشان، تعریف می شود.

عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی

توزیع درآمد و امکانات از مباحث اقتصادی در اسلام است. در مکتب اقتصادی اسلام هدف از توزیع، رسیدن به رفاه عمومی در جامعه، برقراری عدالت اقتصادی و معیشتی و ریشه کنی فقر و محرومیت، تکدی گری و نیازمندسازی می باشد. بنابراین، اجرای احکام وضعی اقتصادی در اسلام می تواند فرد و جامعه را به سمت توانمندی معیشتی پیش ببرد؛ زیرا از نتایج تلاش های پیامبر گرامی اسلام (ص) رسیدن به جامعه عدالت محور با تربیت اسلامی افراد و توسعه بینش و نگرش مسلمانان با اجرای احکام اقتصادی اسلام بود. از جمله این احکام که در قرآن و سنت بارها بر آنها تأکید شده است، می توان به «انفاق، خمس، زکات، قربانی، کفاره، صدقه، وقف و...» اشاره کرد.

انفاق

قلمرو انفاق به قدری گسترده است که می توان اقتصاد اسلام و قرآن را اقتصاد انفاق نامید. انفاق، هم به آثار توزیعی و کمک به دهک های پایین درآمدی نظر دارد و هم به تکامل و تطهیر روحی شخص انفاق کننده (خادم علیزاده، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

اسلام محمد (ص) اسلام برادری و هم پیمانی، اسلام مبارزه با ظلم، اسلام معاونت بر نیکوکاری، اسلام مهربانی و نیک رفتاری، اسلام مواسات و مساوات، اسلام عدل و احسان، اسلام قسط و عدالت اجتماعی و اسلام برادری (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج: ۶، ۲۵۶).



در قرآن کریم چنین آمده است:

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» در راه خدا انفاق کنید و خویشتان را به دست خود به مهلکه میندازید. (البقره: ۱۹۵)

امام علی (ع) فرموده اند:

«... وَأَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضُرُورَتِكَ وَقَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ» (سیدرضی، ۱۳۸۵: ۸۷۱).... از مال

به اندازه لازم نگاه دار و فزونی را برای روز نیازمندی خویش از پیش بفرست.

دیدگاه مطلوب اسلام در مورد توان های انسانی این است که این توان ها برای کسب زندگی کفافی و تهیه لوازم ضروری زندگی با رویکرد اقتصادی و اعتدال به کار گرفته شود. بنابراین با استفاده از توزیع مناسب و برنامه ریزی شده انفاق، می توان به تأمین اجتماعی و تلاش برای رفع فقر معیشتی و کمبود مالی، ایجاد رغبت در کار و تلاش و بهتر کار کردن کارگران کم درآمد و... دست یافت که این امر به ریشه کنی فقر و بحران های اجتماعی و اقتصادی در جامعه منجر خواهد شد. بنابراین انفاق راهی برای رسیدن به رفاه بوده و رفاه عمومی یکی از اهداف اقتصادی اسلام به شمار می آید (خادم علیزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

انفاق، زمینه های توزیع ثروت و تعدیل اقتصادی در جامعه، فراهم ساختن سرمایه کار و فعالیت افراد فقیر و محروم و نجات آنها از فقر و محرومیت را فراهم می کند. در این صورت ثروت ها در دست گروهی معدود جمع نمی شود و بسیاری از جرم و جنایات و مفسدات اجتماعی در جامعه رخ نمی دهد؛ زیرا تعدیل ثروت، حافظ ثروت و از بین برنده اختلاف طبقاتی در افراد جامعه است و نقش مثبتی در زندگی فردی و اجتماعی و توانمندی معیشتی افراد خواهد داشت.

صدقه

صدقه از صدق، به معنی راستی و درستی و مطابقت حرف و عمل و هماهنگی گفتار و اعتقادات و اعمال جوارحی است. صدقه چیزی است که انسان از مال خود و قربه الی الله می دهد و آن اعم از زکات است (قرشی بنایی، ۱۳۷۴، ج: ۴، ۱۱۶).

اسلام افراد را به کار و تلاش و تحرک به سمت نابودی فقر دعوت کرده است. امام صادق



(علیه السلام) فرموده اند: «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ ، وَهِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعُ فِي يَدِ الْعَبْدِ»: برای شیطان هیچ چیز از صدقه دادن مؤمن گران تر نیست و صدقه قبل از آنکه به دست بنده برسد، در دست پروردگار متعال قرار می گیرد (حرعاملی، ۶: ۴۰۶، ۹: ۱۳۸۷).

خداوند در قرآن کریم، یکی از خصوصیت ضد انقلاب را راندن یتیم و بی توجهی نسبت به وضعیت و حال فقرا، مساکین و پابرهنگان معرفی می کنند و می فرمایند:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ فَذَالِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يُحِضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»: آیا کسی که روز جزا را انکار می کند، دیدی؟ همان که یتیم را به خشونت و جفا از خود می راند و [کسی را] به طعام دادن به مستمند تشویق نمی کند (الماعون: ۱۰۲).

از صدقات دیمی می توان وقف را نام برد که انفاقی خالی از منت، احسانی عاری از اذیت، عملی باقی، صالح، مستمر و بدون ربا، وامی بدون اضطراب و نگرانی و به دور از تحقیر دیگران و تعدیل ثروت ها بدون اجبار و با رغبت و در راه رضای خداوند است. سنتی جاودانه و ماندگار از پیامبر گرامی اسلام (ص) است که نقش مؤثر در پیشرفت های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و توانمندسازی فقرا و محرومان و نیازمندان جامعه دارد.

وقف

وقف جایگاه ویژه ای در میان امور خیریه دیگر دارد. حداقل شدن و خطر پذیری سرمایه در گذر زمان، به صفر رسیدن دخالت مالک در اعیان وقفی، افزایش خدمات عمومی و کاهش هزینه های خدمت رسانی با افزایش موقوفات به صورت تجمعی در طی سال های متمادی، ورود به حوزه های جدید خدمت رسانی و... برخی از ویژگی های انحصاری نهاد وقف در نظام اجتماعی اسلامی است. در قرآن کریم آمده است:



«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲): هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید.

اولین واقف دین اسلام یعنی پیامبر اکرم (ص) در باره وقف می فرماید:

«وَمَنْ بَنَى عَلَى ظَهْرِ طَرِيقٍ مَأْوَى عَابِرِ سَبِيلٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ دَرٍّ وَجَوْهَرٍ، وَوَجْهَهُ يُضَى لِأَهْلِ الْجَمْعِ نُورًا حَتَّى يُزَاحِمَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ فِي قَبْتِهِ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ: هَذَا مَلِكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَمْ تَرِ مِثْلَهُ قَطُّ وَدَخَلَ فِي شِفَاعَتِهِ الْجَنَّةَ أَرْبَعُونَ أَلْفَ رَجُلٍ» (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۵۶۲/۱۱): کسی که در کنار جاده‌ای برای عابران منزلی بسازد، خداوند در روز قیامت او را بر مرکبی که از گوهر، تزیین شده سوار می‌کند و نور صورت او بر تمام نورها برتری می‌یابد تا آنجا که برابر نور حضرت ابراهیم (ع) قرار می‌گیرد و مردم می‌پرسند آیا این فرشته‌ای از فرشتگان است. هرگز مانند او را ندیده‌ایم و با شفاعت وی چهل هزار انسان به بهشت می‌روند.

سنت وقف، همواره و برای همه اقشار جامعه، قابل دسترس است و در انحصار یک طبقه خاص نیست. بر اساس این، سنت وقف، پیوسته افراد زیادی را از طبقات مختلف جامعه جذب می‌کند که یا واقف اند و یا از درآمد اوقاف و خدمات آن بهره مند می‌شوند. بنابراین از طبقات فقیر اجتماع گرفته تا مردم متوسط الحال (کشاورز، پیشه‌ور، صنعتگر و فروشنده) و نیز توانگران و مسئولان بلند پایه حکومتی همه با وقف در ارتباط هستند. می‌توان گفت که وقف، در حمایت از وحدت ملی و اجتماعی و جلوگیری از بروز بی‌ثباتی، خشونت و تنش میان گروه‌های اجتماعی با وضعیت اقتصادی متفاوت، نقش دارد. وقف، نقش ملموسی در ارائه خدمات رفاهی به ویژه در مناسبت‌ها، حوادث و تصمیم‌گیری‌های مهم شخصی و خانوادگی مانند «ازدواج، اشتغال، تحصیل، برگزاری مراسم عزا و...» دارد و از این طریق، سهم مؤثری در افزایش «امید» به زندگی و آینده در جامعه ایفا می‌کند. وقف، در حمایت از کیان خانواده و حفظ انسجام و یکپارچگی آن از راه حمایت‌های مالی و تدارکاتی و نیز حمایت از حقوق افراد ضعیف و بیمار خانواده‌ها و کسانی که از توانمندی‌های جسمی و روحی کمتری برخوردارند، نقش مهمی دارد.

وقف، فراهم‌کننده چارچوبی اساسی برای مشارکت مردم در امور اجتماعی است. یکی از



بهترین بسترهای مشارکت اجتماعی، وقف است که توجه به دیگران و نیکوکاران و نادیده گرفتن تمایلات خودخواهانه و اندیشیدن به منافع گروهی را مورد تشویق قرار می دهد و چنانچه از جانب رهبران و نخبگان جامعه به سمت حیات فرهنگی و ارتقای علمی و معنوی و نیز کارآفرینی و ریشه کنی فقر هدایت شود در ارتقای سطح امید در جامعه و کمک به پویایی و حرکت و تلاش نسل جوان، بسیار کارآمد خواهد بود و می تواند به اهداف اقتصادی دولت ها در جهت توانمندسازی اجتماعی کمک فراوانی کند. وقف وسیله مناسبی برای توزیع مجدد و حمایت مستقیم و غیرمستقیم از اقشار آسیب پذیر جامعه است، بدون آنکه هزینه ای بر بودجه دولت، تحمیل کند و نیز بدون هرگونه اجبار و مداخله قدرت حاکمه است و اگر فرهنگ وقف و اوقاف در جامعه ای رونق گیرد قطعاً درصد قابل توجهی از آمار بیکاری کاسته خواهد شد (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۲: ۷۸).

خمس

جایگاه خمس در نظام اقتصادی اجتماعی اسلام، ویژه و قابل توجه است. در قرآن آمده است:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (الانفال: ۴۱)؛ بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، برای پیامبر و برای ذی القربى، یتیمان، مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است؛ اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید و خداوند بر هر چیزی تواناست.

خمس، در زمانی که سلطه شوم جباران، دست ائمه (علیهم السلام) را از حاکمیت و بیت المال مسلمانان کوتاه کرده بود نقش مهمی را در بی نیازی و توانمندی اهل بیت برای اداره و رهبری مردم، در شرایط دشوار مبارزه و تقیه ایفا کرد.

... وَإِنَّ الْخُمُسَ عَوْنًا عَلَىٰ دِينِنَا وَ عَلَىٰ عِبَالَتِنَا وَ عَلَىٰ مَوَالِينَا وَ مَا تَبَدَّلَهُ وَ تَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَزُوهُ عَنَّا وَ لَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ



إِخْرَاجَهُ مُفْتَاخِ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِیْصِ ذُنُوبِكُمْ وَ مَا تَمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لَیَوْمٍ فَآفَیْتُمْ وَ ... (الکافی، ۱۴۰۷، ج: ۱، ۵۴۸) امام رضا (ع) در روایتی، خمس را پشتوانه ای برای تبلیغ و تحکیم دین و منبعی برای تأمین نیازها، رسیدگی به شیعیان و دفع عداوت دشمنان، معرفی می کند.

در زمان غیبت کبری (در اعصار متأخر)، این ذخیره مالی عبادی، به گونه شگفت انگیزی توانست موجودیت و استقلال حوزه های علمی تشیع را (از نظر مالی) در برابر حکومت های جابر حفظ کند. شاید گزاف نباشد بگوییم انقلاب اسلامی، که سرچشمه آن روحانیت متعهد و حوزه های علمیه بود، تا حدود زیادی مرهون این اصل استقلال آفرین بوده است (مدرسی، ۱۳۷۵: ۶ و ۷).

حضرت علی (ع) می فرماید:

«وَأَمَّا مَا جَاءَ فِي الْقُرْآنِ مِنْ ذِكْرِ مَعَايِشِ الْخَلْقِ وَأَسْبَابِهَا فَقَدْ أَعْلَمْنَا سُبْحَانَهُ ذَلِكَ مِنْ خَمْسَةِ أَوْجِهٍ: وَجِهٍ الْإِمَارَةِ، وَوَجِهٍ الْعِمَارَةِ، وَوَجِهٍ الْإِجَارَةِ، وَوَجِهٍ التَّجَارَةِ، وَوَجِهٍ الصَّدَقَاتِ، فَأَمَّا وَجِهَ الْإِمَارَةِ، فَقَوْلُهُ " وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ... » (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج: ۶، ۳۴۱): آنچه خدای عالم از اسباب و راه های معیشت و زندگی مخلوقات در قرآن بیان فرموده پنج چیز است که عبارت اند از: برای امارت و حکومت، عمران و آبادانی، اجاره، تجارت و صدقات؛ اما برای امارت و حکومت همان خمس است که خداوند در قرآن فرمود: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ...» (الانفال: ۴۱): بدانید هر چیزی را که به غنیمت گرفتید، خمس آن از آن خداوند، پیامبر، خویشاوندان پیامبر، یتیمان و مسکینان است.

بنابراین، خمس در درجه اول مال خداست و باید در راه خدا به مصرف رسانده شده در اختیار نظام حکومتی الهی یعنی مقام رسالت و امامت قرار گیرد. در زمان غیبت به ولی فقیه، مجتهد جامع الشرایط، عالم بالله و امین بر حلال و حرام الهی سپرده شود تا در راه مصالح مسلمانان، توسعه و ترویج فرهنگ و معارف اسلامی، تبلیغات، ایجاد سازمان های دفاعی و غیره مصرف کند. از این رو، اداره شئون مقام ولایت، امامت و رهبری، تقویت مراکز دینی و اسلامی، تقویت بنیه اقتصادی حکومت اسلامی، تضمین استقلال آن، رفع محرومیت ها و نیازمندی های جامعه (به ویژه سادات) و... از آثار و برکات خمس است.

امام رضا (ع) فرموده اند:



«أَنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا عَلَى دِينِنَا وَعَلَى عِيَالِنَا وَعَلَى مَوَالِينَا...» (کلینی، ۱۳۷۹، ج: ۲، ۷۳۸): همانا خمس کمکی بر دین (و اهداف دینی)، خاندان و دوستان ماست.

از خاصیت های اجتماعی خمس، می توان به رفع اختلاف و تعدیل طبقاتی اشاره کرد. از مزایای مهم اقتصادی آن، توانمندی محرومان و تهیدستان جامعه، ایجاد فرصت کار و تولید و بهبود وضعیت معیشتی مسلمانان فقیر است. خمس عامل حریت علمای شیعه و حفظ کرامت ایشان در قرون متمادی بوده است و می تواند یک عامل تأثیر گذار در توانمندی شیعیان و علمای شیعی باشد. جامعه ای که علمای مقتدر و اندیشمندان توانمند داشته باشد، بهتر می تواند در جهت رشد و پویایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حرکت کند و با یاری رساندن به حکومت اسلامی در اداره جامعه و به دست آوردن استقلال در تمامی زمینه ها به ویژه اقتصادی، به رشد، تعالی و توانمندی مطلوب برسد.

زکات

اسلام در رفع فقر، بر نقش جامعه تأکید دارد تا نقش حکومت؛ زیرا از جامعه می خواهد که پرداخت زکات، یک عمل عبادی داوطلبانه باشد تا روابط برادرانه را بین مؤمنان استحکام بخشد. دلیل دیگر اینکه جامعه از حکومت به نیازمندان نزدیک تر است. بنابراین روش مهمی که اسلام به وسیله آن تلاش می کند تا فقر را از جامعه بزداید، زکات است؛ زیرا هدف آن در اولین مرحله فقر است و زکات از سوی بخش عظیمی از افراد که صاحب نصاب هستند، پرداخت می شود. به علاوه حکومت مسئول برنامه ریزی برای جمع آوری و مهم ترین بخش آن یعنی توزیع زکات است (زین العابدین، ۶۳: ۱۳۷۷).

خداوند در قرآن می فرماید:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه، آیه ۱۰۳): از اموال آنها صدقه ای [به عنوان زکات] بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی. [به هنگام زکات] به آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنهاست و خداوند شنوا و داناست.

در این آیه خداوند در یک قانون کلی به پیامبر (ص) دستور می دهد که از اموال آنها صدقه،



یعنی زکات بگیر. زکات، فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت را کاهش می دهد. بی تردید همبستگی اجتماعی و نمو و پیشرفت اقتصادی در سایه این گونه برنامه ها تأمین می شود. بنابراین، زکات پاک کننده فرد و اجتماع و نمودهنده بذرهای فضیلت در افراد و نیز سبب پیشرفت جامعه است.

در قرآن آمده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره، آیه ۱۱۰): و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا [در سرای دیگر] خواهید یافت. خداوند به اعمال شما بیناست.

این آیه به مؤمنان دو دستور سازنده مهم می دهد: یکی در مورد نماز، که رابطه محکمی میان انسان و خدا ایجاد می کند و دیگری درباره زکات، که رمز همبستگی اجتماعی است. بی گمان این دو برای پیروزی بر دشمن لازم است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۳۷، ج ۱: ۴۰۲).

نماز، زمینه و ستون ایمان و موجب ارتباط و اطمینان به خداست، اما زکات، سعادت جامعه را با تأمین نیاز فقیران تضمین می کند و زمینه سرپرستی و تکافل فرزندان جامعه اسلامی را فراهم می آورد که ثواب آخرت را نیز به دنبال دارد (زحیلی، قرن ۱۴، ج ۱: ۲۷۲).

زکات، زمانی می تواند ناهنجاری های اجتماعی را درمان کند که از مدیریت سالمی برخوردار بوده در یک جا جمع شود و با شکل گیری نظام نظارتی صحیح، شناخت و توجه ویژه به فقرا و نیازمندان و از طریق تبلیغ پرداخت و اجرای فریضه زکات باید نسبت به آگاهی دادن و اطلاع رسانی آثار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداخت زکات در جامعه اقدام کرد. باید به گونه ای فرهنگ سازی و اعتماد سازی شود تا افراد به این باور برسند که زکات پرداختی به درستی و در مسیر توانمند شدن فرد و جامعه در برابر مشکلات اقتصادی، اجرای طرح های عمرانی و کمک به آبادانی و سازندگی مناطق محروم با بهره گیری از ظرفیت خود افراد جامعه هزینه می شود. زکات یکی از منابع تأمین وجوه نقد قابل دسترسی در اقتصاد اسلامی می باشد (فرهادیان آرنای، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

زکات می تواند علاوه بر مصارف پایه ای به اشکال مختلف از قبیل کمک مالی، تهیه جیره غذایی، کمک های مالی برای شهریه مدرسه، تهیه وسایل کمک آموزشی، کمک در اجاره منزل، کمک هزینه

دانشجویی، کمک های کوچک اضطراری و کمک به تهیه اسباب معیشتی دیگر نیز هزینه شود. اگر کمک های مالی ماهانه از راه زکات کاهش یابد و به شکلی کمک ها توزیع شود که بتواند ابزار و سرمایه کار را ایجاد کند، در توانمندسازی افراد بسیار مؤثر تر و کارآمدتر خواهد بود. بنابراین، زکات به عنوان یک مالیات اسلامی و از منابع درآمد بیت المال محسوب می شود. با پرداخت زکات، ایمان انسان و نیز اموال مسلمانان حفظ شده فاصله طبقاتی از بین می رود و چرخ زندگی به کار افتاده در نتیجه مشکلات مردم به ویژه فقرا حل و اصل مالکیت حفظ خواهد می شود.

قربانی

قربانی، یکی دیگر از راه های توزیع مجدد درآمد و دارایی اقتصاد قرآنی است که جلوه زیبای ایثار می باشد. «فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (حج، آیه ۲۸): پس از آنها بخورید و به درممانده مستمند بخورانید. در قرآن چند واژه در باره قربانی وجود دارد: «هدی» «بُذْن» و «قلائد». واژه قربانی شامل قربانی حج، قربانی نذری، قربانی کفاره ای و قربانی مستحب در عید قربان و... می باشد. هدی، قربانی ای است که برای حج تمتع در منی ذبح می شود و یکی از مصارف آن، فقراست. قربانی نوعی هدیه در راه خداست؛ هدیه ای که افزون بر افزایش روحیه گذشت و ایثار و دل کندن از دنیا، آثار توزیعی قابل توجهی به خصوص در ایام و مراسم خاص عبادی همچون حج دارد. قربانی از منظر اقتصادی تقویت سبب مصرفی در بخش مواد گوشتی به عنوان کالای ضروری خانوار هاست که لزوماً به افراد فقیر اختصاص ندارد. «وَالْبُذْنُ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (حج، آیه ۳۶): و شتران فربه را برای شما از [جمله] شعایر خدا قرار دادیم.؛ بدین معنا که خداوند از شما شترهای فربه می خواهد تا مقدار بیشتری گوشت توزیع شود. بدیهی است در شرایط کنونی برای استفاده بهینه از گوشت قربانی به ویژه در مراسم عظیم حج، استفاده از امکانات بسته بندی و توزیع پیشرفته ضروری است (قرشی بنابی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۵۰).

شایسته است گوشت قربانی در میان کسانی توزیع شود که واقعاً قدرت خرید گوشت را ندارند و هرگز چنین کمبودی را ابراز نمی کنند. آثار اقتصادی قربانی کردن شامل موارد زیر است:



- ۱- تخصیص بخشی از درآمد یا ثروت فرد قربانی کننده به دیگران.
- ۲- قربانی کردن از نگاه تجزیه و تحلیل علم اقتصاد به خصوص اقتصاد توزیع، نوعی تقسیم قدرت خرید افراد متمکن از طریق کمک کالای ضروری در سبد خانوارهایی است که درآمد پایین تری دارند.
- ۳- انجام قربانی در سطح وسیع موجب تقاضای زیاد برای دام زنده در جوامع اسلامی شده که این خود بر توسعه صنعت دامداری اثرگذار می گذارد.
- ۴- سنت قربانی، بخشی از سرمایه اجتماعی در اسلام است. بدین بیان، برگزاری سنت و فریضه قربانی در روز عید قربان و زنده نگاه داشتن سنت دیرینه ابراهیم پیامبر (علیه السلام) یکی از شعایری است که موجب ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی می شود.
- ۵- توزیع گوشت قربانی بدون هیچ گونه هزینه اداری است؛ مانند نظام مالیاتی اسلام که افراد مسلمان بدون وجود دستگاه اداری پرهزینه برای جمع آوری مالیات، خود با شوق و علاقه و با قصد قربت، خمس یا زکات خود را می پردازند. بنابراین سنت قربانی بر خلاف نظام توزیع متعارف در دنیا و نظام های اقتصادی موجود، هیچ هزینه ای بر دولت و نظام مالیاتی یا توزیع کمک های کالایی تحمیل نمی کند (خادم علیزاده، ۱۳۹۲: ۲۲۸ و ۲۲۹).

کفاره

یکی از راه های توزیع درآمد و ثروت که بدون هزینه های اداری در جامعه اسلامی و بر اساس باورهای دینی انجام می شود، جریمه های مالی است که با پرداخت آن از یک سو نوعی آرامش و طهارت روحی برای فردی است که نتوانسته در شرایط تعریف شده، وظیفه عبادی خود را انجام دهد و از سوی دیگر موجب کمک به دهک های پایین درآمدی شده، آنها را برای عبادت و فعالیت اقتصادی یاری می دهد (خادم علیزاده، ۱۳۹۲: ۲۳۰).

در قرآن می خوانیم:

«أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، آیه ۱۸۴): چند روز معدودی را [باید روزه بدارید.] و هرکس از شما بیمار یا مسافر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را [روزه بدارد] و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست؛ [همانند بیماران مزمن، پیرمردان و پیر زنان] لازم است کفاره بدهند، مسکینی را اطعام کنند. کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است. روزه داشتن برای شما بهتر است؛ اگر بدانید.

مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: «کلمه «يُطِيقُونَ» از مصدر اطاقه است. اطاقه به معنای به کار بستن تمامی قدرت در عمل است که لازمه اش این است که عمل یادشده آن قدر دشوار باشد که همه نیروی انسان در انجامش صرف شود. در نتیجه جمله «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» یعنی هرکس روزه برایش مشقت داشته باشد. کلمه «فدیه» به معنای بدل و عوض است و در اینجا به معنای عوض مالی است که همان سیر کردن یک مسکین گرسنه از غذایی است که خود انسان می خورد. البته نه آن غذای ساده یا لذیذی که انسانی گاهی می خورد؛ بلکه از غذای متوسطی که غالباً استفاده می کند. حکم این فدیة نیز مانند حکم قضای روزه مریض و مسافر، واجب است؛ چرا که تعبیر «وَعَلَى الَّذِينَ» و خوب تعیینی (نه تخییری و نه رخصت) را می رساند. «تَطَوَّعَ» نیز بدین معناست که انسان خودش داوطلبانه کاری انجام دهد که اطاعت خدا نیز هست؛ بی آنکه در انجام آن کراهتی داشته باشد و اظهار ناراحتی و گران باری کند؛ حال چه آن عمل الزامی و واجب باشد، چه غیر الزامی و مستحب» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۸).

در این صورت انسان به رشد معنوی و داشتن روحیه ایثار و فداکاری و قانونمندی خواهد رسید و از طرفی بخشی از تعالی معنوی انسان در سایه رفتارهای خاص اقتصادی است که از طریق کفاره، صدقه، زکات، خمس و... جلوه گر رفتارهای لطیف انسانی می شود و می تواند به جامعه، شادابی و تحرک ببخشد. از طرفی دولت اسلامی نیز با دریافت چنین کمک هایی می تواند با هدف



توانمندسازی افراد محروم جامعه و برقراری عدالت، علاوه بر حفظ امنیت داخلی و پاسداری از حق مالکیت افراد، مسئولیت ارائه خدمت به مردم، رساندن حق به صاحبانش و تحقق پیشرفت با ایجاد اشتغال و فرصت های کار، تأمین معیشت افراد با تأسیس مؤسسات عمومی و نیز راه اندازی طرح های صنعتی و کشاورزی را انجام دهد که به افزایش ثروت عمومی و مشارکت افراد جامعه در سود آنها بیانجامد و راه های سرمایه گذاری، اعطای کمک های مالی و تسهیلات اعتباری برای کشاورزان، بازرگانان و صنعتگران را فراهم نموده تا زمین ها و صنایع و کشت راه اندازی شده و اقتصاد معیشتی رونق یابد.

نتیجه گیری

ضرورت تأمین معاش انسان از آنجائیکه می شود که تکامل معنوی او بدون آن امکان پذیر نیست. قرآن کریم سرمشقی جامع و بی همتا برای بیان حالات گوناگون از مشکلات و علل و سبب های آن و همچنین راهکارهای مناسب برای رهایی از آنها می باشد.

با نگاهی به زندگی پیامبر اکرم (ص) و معصومین (علیهم السلام) می توان این واقعیت را تأیید کرد که سرتاسر کارنامه زندگی شان همراه با تلاش برای کار بدنی و اقتصادی و کسب روزی از راه های مشروع و در مسیر حفظ عزت و پرهیز از تحمیل خود بر دیگران بوده است. از عوامل توانمندسازی اقتصادی در اسلام می توان به مواردی نظیر انفاق، صدقه، وقف، خمس، زکات، قربانی و کفاره اشاره کرد.

از طرفی دولت اسلامی نیز با فرهنگ سازی و اعتماد سازی در افراد و دریافت و توزیع مناسب چنین کمک هایی می تواند با هدف توانمندسازی افراد محروم جامعه و برقراری عدالت، علاوه بر حفظ امنیت داخلی و پاسداری از حق مالکیت افراد، مسئولیت ارائه خدمت به مردم و رساندن حق به صاحبانش و تحقق پیشرفت با ایجاد اشتغال و فرصت های کار و کارآفرینی و تأمین معیشت افراد با تأسیس مؤسسات عمومی و نیز راه اندازی پروژه های تولیدی، صنعتی و کشاورزی انجام دهد.



این امر به افزایش ثروت عمومی و مشارکت افراد جامعه در سود آن منجر شده و راه های سرمایه گذاری، اعطای کمک های مالی و تسهیلات اعتباری برای کارآفرینان، کشاورزان، بازرگانان و صنعتگران را فراهم می کند تا منابع و سرمایه ها از قبیل زمین، صنایع، کشت و تولید راه اندازی شده و اقتصاد معیشتی رونق یابد.





منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ۱- اسدی محل چالی، مسعود (۱۳۹۴)؛ توانمندسازی اجتماع محور در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری؛ چاپ اول؛ تهران: آرمانشهر.
- ۲- حدیث زندگی (۱۳۸۲)؛ وقف، پاسداری از سنت و سرمایه گذاری برای آینده؛ پایگاه اطلاع رسانی حوزه؛ بهمن و اسفند؛ شماره ۱۵.
- ۳- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)؛ «وسایل الشیعه»، توصیف گرضمیری، محمد رضا؛ قم؛ مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- ۴- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰)؛ الحیاء؛ ترجمه احمد آرام؛ چاپ اول تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵- خادم علیزاده، امیر (۱۳۹۲)؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی؛ چاپ اول؛ قم؛ دفتر نشر معارف، دانشگاه معارف اسلامی، معاونت پژوهشی.
- ۶- روح الله زاده، قاسم (۱۳۸۶)؛ «توانمندسازی و توسعه منطقه ای».
- ۷- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸)؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة والمنهج؛ بیروت دمشق: دارالفکر المعاصر.
- ۸- زین العابدین، طیب (۱۳۷۷)؛ «زکات و کاهش فقر در جهان اسلام»؛ مترجم عباس پور، محمد؛ مشکوه؛ بهار و تابستان؛ شماره ۵۸ و ۵۹.
- ۹- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۹۴)؛ قانون برنامه چهارم توسعه؛ بخش سوم، فصل هشتم، ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، ماده ۹۵.
- ۱۰- سید رضی، (۱۳۸۵)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ تهران.
- ۱۱- شادی طلب، زاله (۱۳۸۱)؛ توسعه و چالش های زنان ایران، تهران: نشر قطره.
- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)؛ اصول الکافی؛ مترجم جواد مصطفوی؛ ۵ جلد؛ تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.



۱۳- -----، (۱۴۰۷ق)؛ الکافی؛ محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی؛

تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۴- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق.)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ پنجم؛ قم: دفتر

انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۵- فرهادیان آرانی، علی؛ وثوق، بلال (۱۳۹۰)؛ شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر

میزان مشارکت افراد در پرداخت زکات؛ دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد

اسلامی؛ سال سوم؛ شماره دوم؛ بهار و تابستان.

۱۶- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۴)؛ قاموس قرآن؛ چاپ چهارم؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۷- مدرسی، سید محمد (۱۳۷۵)؛ تورم و مسئله خمس؛ روش شناسی علوم انسانی، حوزه و

دانشگاه؛ بهار؛ شماره ۶.

۱۸- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۷)؛ تفسیر نمونه؛ چاپ چهارم؛ تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

19-Kabeer, D., (2003), »Resource, agency, achievement: reflection on the measurement of farmer empowerment«. Development and Change, pp 87-95.2009. 345 - 348.

20-Rowlands, Jo) 1991), A word of the Times, but what does mean ? Empowerment in the discourse and practice of development , Women and empowerment illustration from the third world , Macmilan , p. 11.

21-Sikor, T., (2008), "Empowerment and empowering process: A theory development seminar series", University of Michigan, pp76- 83.

22-Tillman, F., (2001), "Empowerment: the US experience, empowerment in organizations ".